اسرار ماه ذی الحجه در نگاه عارفانه میرزا جواد ملکی تبریزی

حسن گیوه چی مفرد

روزها و ايام، هرکدام به تناسبِ موضوعاتِ خاص، مورد توجه مردم قرار گرفته و در نگاه ديني، براي آن‌ها اعمال و آدابي ويژه بيان شده است. تا آنجا که عالمان بزرگوار دين در اين باره تأليفاتي چند به رشتة تحرير در آورد‌ه‌اند. کتاب المراقبات مرحوم ميرزا جواد ملکي تبريزي نيز از اين دست نوشته‌ها است که از نگاه عرفاني و سير و سلوکي، مورد توجه خواص قرار گرفته است.

در اين نوشتار، ضمن پرداختن به اعمال ماه ذي‌حجه، سعي شده است تا زواياي عرفاني ماه حج تبيين و اعمال و آداب آن تشريح گردد و زائر خانة خدا با استفاده از آن، در راه سير و سلوک عرفاني و اخلاقي گام بردارد.

مقدمه

توجه به روزها و ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها و نيز درک اوقات خاص و زمان‌هاي مخصوص به امور عبادي، همواره مورد توجه پيامبر عظيم الشأن اسلام و ائمة معصوم (علیهم السلام) بوده است. آنان به تناسب زمان و مکان، نکاتي را بيان داشته و خود را مقيد به عمل به آن‌ها مي‌دانسته‌اند.

پيامبرگرامي اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) ، پيش از ورود به برخي از ماه‌ها، خطب‌هايي ايراد نموده و وظيفة الهي خويش را که بر دوشش نهاده شده بود ادا مي‌کردند و البته خود نخستين عامل بدان‌ها بوده‌اند. آن حضرت هيچ لحظه و آني را از بيان فضايل و اعمال مردم که راهي به سوي انسانيت و کرامت و شرافت انساني بود دريغ نمي‌ورزيدند.

در بيانات آن حضرت، بهترين لحظه‌ها، بهترين ساعت‌ها، بهترين روزها، بهترين ماه‌ها و حتّي بهترين و پراهميت‌ترين ايام عصر انسان‌ها بيان شده و يادآوري و غنيمت شمردن آن‌ها مورد تأکيد قرار گرفته است، تا آنجاکه آن حضرت و ائمه (علیهم السلام) در 24 ساعت شبانه روز، لحظات و ساعاتي را اختصاص به عبادت و راز و نياز مي‌دادند وکسي را نمي‌پذيرفتند و اين غير از ساعت‌هاي عبادت عمومي؛ مانند نماز و غير آن بوده است.

پيامبر (صلی الله علیه و آله) مي‌فرمايند: «لِي مَعَ اللهَ وَقتٌ لاَ یَسَعُها مَلَکٌ مُقَرَّب وَ لاَ نَبِيٌّ مُرسُلٌ». 1

المراقبات

همانگونه که اشاره شد، در طول تاريخ اسلام، عالمان عامل و عارفان سالک کتاب‌هايي را در زمينۀ اعمال سال و ماه‌ها و روزها تدوين و تأليف نموده، برخي مستندات ديني و اعتقادي آن‌ها را نيز بيان داشته‌اند.

کتاب‌هايي مانند «مصباح المتهجّد» شيخ طوسي، «الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرّة في السنه»، سيدبن طاووس، «مفتاح الفلاح» شيخ بهايي، «فلاح السائل و نجاح السائل في عمل اليوم و الليلة» سيد بن طاووس، «مفاتيح الجنان» شيخ عباس قمي و مانند آن‌ها، از اين دست به شمار مي‌آيند.

در اين ميان کتاب ارجمند و گرانسنگ «المراقبات» يا «اعمال السنّه»، از عالم سالک إلي الله، ميرزا جواد آغا ملکي تبريزي نيز در ميان عارفان و سالکان طريق هدايت خوب درخشيده و کلمات و جملات آن از نورانيتي خاص بهره برده، که کمتر کتابي به اين خصلت متّصف شده است.

آيت الله ميرزا جواد ملکي تبريزي داراي سه کتاب ارزشمند و ذي قيمت است که هر يک از آن‌ها بيانگر تسلّط اين مرد بزرگ بر مباني عرفاني و معنوي اسلام و توجه روحانيِ مؤلف ارجمندِ آن به مسائل سير و سلوکي است و براي هر سالک و اهل دلِ آماده و مهيائي، سفرة گسترده و پربرکت الهي است.

اين سه کتاب عبارت‌اند از: «اسرار الصلاۀ »، «رساله لقاء الله» و «المراقبات».

کتاب حاضر، که بخش ماه ذي حجۀ آن، براي روحانيون محترم؛ به ويژه روحانيان کاروان‌ها و زائران بيت الله الحرام، گنجي عظيم و فيضي بزرگ است، داراي چاپ‌هاي متعدد مي‌باشد؛ از جمله چاپ کاهي و اوليه، بدون تحقيقات فني و علمي که در اصفهان از سوي مکتبة الشفيعي به چاپ رسيده و تاريخ و ساير خصوصيات کتاب‌شناختي آن روشن نيست. چاپ ياد شده داراي مقدمة کوتاه و ارزشمندي از علامه محمد حسين طباطبايي است، که اشاره به آن خالي از لطف نيست.

بعد از حمد و ثناي خداوند و درود بر پيامبر و خاندان پاکش مي‌‌فرمايند:

اين تعليقۀ چند سطري را بر اين کتاب براي مدح اين صحيفۀ جليله و ثناي مؤلف عظيم آن ننوشته؛ زيرا اين کتاب نيست بلکه دريايي ذي قيمت است که به وزن و کيل در نمي‌آيد و مؤلف آن عالم فرازمندي است که به قدر و اندازه نمي‌توان او را در آورد. در هر صورت غرض اينجانب از اين سطور، توجه دادن برادران ديني از اهل ولايت و بزرگان از صديقين و اهل صفا به آنچه از ذخایر در اين کتاب آمده است، مي‌باشد؛ زيرا توجه و يادآوري مؤمنان را نافع خواهد بود.2

سپس با توجه به بي‌ارزشي دنيا و ما فيها و تلاش بشريت براي رسيدن به حيات واقعيِ اخروي، وظيفة انسان را در عبوديت و تقرب به ذات کبريايي و ساحت مقدس اسماء حُسني و صفات علياي الهي مي‌دانند و اين همه را در راه‌يابي به مراقبت در شب و روز و ايام و ماه و سال‌ها و در نهايت قسم ياد مي‌کنند به جان شريف خودشان که سيرۀ همگان از سالکان و عارفان و پاکان در سابق اين بوده است و اين راه مطابق با راه پيامبران و صديقين و شهدا و صالحين است.

و کتاب مراقبت از نيکوترين کتبي است که در اين تمام و جايگاه شايسته عمل به آن است؛ زيرا مطابق قلوب حيران در محبت خدا و رياضت عبادالله مي‌باشد.3

اسرار مراقبت ماه ذي حجه

پيش از شروع و ورود به اسرار معنوي ماه ذي حجه، مناسب است اشاره‌اي به نکته‌اي دربارۀ ماه‌هاي حرام داشته باشيم؛ زيرا مرحوم ميرزا جواد ملکي در ابتداي مراقبات ماه ذي‌قعده، به مناسبت ورود به ماه‌هاي حرام مي‌نويسند:

«اين ماه (ذي حجه) اولين ماه از ماه‌هاي حرام است که جنگ و نبرد با کفّار در آن حرام شده است و لکن عاقلِ بيدار بايد تنبّه يابد از اين حکم به حکم جنگ و مخالفت با خداوند ـ جلّ و علا ـ و بکوشد در خودنگهداري در اين ماه بيشتر از ماه‌هاي ديگر و رعايت رضاي الهي و اطاعت امر خداوند و راضي گشتن به گرفتاري‌ها و بلاهاي دنيوي؛ زيرا اين ماه حرام است و حرمت آن افضل بر ساير ماه‌هاست؛ چرا که خداوند از محاربه و نبرد با کفّار منع کرده است.»4

مؤلف ارجمند براي ورود به هرکدام از ماه‌ها، روش ويژه‌اي را در پيش گرفته‌اند و به تناسب هر ماه و لزوم مراقبت از آن، به‌گونه‌اي آغاز کرده‌اند که تناسب را رعايت کرده باشند، که خود نشان‌دهندۀ توجه مرحوم ملکي به نکات خاص اهل مراقبت است و الاّ به‌صورت طبيعي بايد در آغاز هر ماه با روايتي شروع نمايند و با اعمال آن و توجه دادن به روزهاي خاص، آن را به پايان ببرند.

در اين فصل که فصل شانزدهم کتاب است و با عنوان «الفضل السادس عشر، في أسرار مراقبات شهر ذي الحجه» آغاز گرديده، فرموده‌اند:

«براي درک درست و دقيق اوقات خاص اين ماه، بر مراقب و سالک است که در استهلال اين ماه اهتمام ورزد، بلکه حوائج خاص و مهمّش را براي اوقات دعا در اين ماه يادآور شود و حتّي دعاي رؤيت هلال را بخواند و به دعايي که سيدبن طاووس انشا کرده و از مضامين عالي براي اهل ذکر برخوردار است، غفلت نورزد.

اما از مهم‌ترين کارهاي اهل مراقبت در اين ماه، شناخت جايگاه بلند و شريف اين ماه و مقامات بزرگ آن و فوائد فراواني که بر آن بار شده است، مي‌باشد.»

سپس براي بيان جايگاه و عظمت اين ماه، نگاهي به جايگاه ماه مبارک رمضان دارند که در روايات وارد شده است: «روزها و شب‌ها و ساعات آن افضل از همۀ ايام است.»

و بعد مي‌فرمايند: «گرچه اين سخن درست است ولکن بعضي از ايام ماه ذي الحجه به مراتب افضل از ماه رمضان است.»

و ممکن است جمع روايات به اين باشد که ماه رمضان ذاتاً افضل بر همۀ ماه‌هاست و لکن براي روز غدير فضيلتي برتر است به جهت امر ولايت و تماميت دين و نعمت در اين روز مبارک.

در هر صورت براي ماه ذي الحجه جايگاهي رفيع و بلند است که مراقبان و سالکان نبايد غفلت ورزند و بدون توجه و با حالت غفلت در آن داخل شوند، که حرمت آن را ضايع خواهند کرد.

ماه ذي الحجه منزلگاه نيکان و پاکان و جايگاه اهل قدس و نور است و هر کس مي‌خواهد در آن جايگاه حضور يابد، بايد خود را شبيه آنان سازد و به اخلاق و صفات آنان تشبّه کند. آنان چگونه‌اند که سالک بايد چنان کند؟ آنها نفوسي پاک و قلوبي طاهر و مهذّب و اخلاقي نيکو و اعمالي صالح دارند و اهل حلم، علم، تقوا، عرفان و حکمت هستند. آنان اهل روز و نماز شب‌اند. دائماً در حال ذکر و توکل و رضايت حق و در حال تسبيح و تقديس ذات اله مي‌باشند. آنان خداي را به بزرگي ياد مي‌کنند و از موحدان و صادقان و خالصان‌اند.5

مؤلف گرانقدر با توضيحات و بيان نوراني خود در بارۀ اهل اين ماه به همگان توصيه مي‌کند که براي ورود به اين ماه، خود را داخل در سالکان و مراقبان بنمايند و آنگاه مي‌فرمايند:

«در هر صورت، از جمله مواقف مهم اين ماه، دهۀ اول آن است که به «ايام معلومات» در قرآن ياد شده است؛ ( وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ في‏ أَيَّامٍ مَعْلُومات‏ ) .»6

و يادآوري با غفلت نمي‌سازد، پس بپرهيز از مشغوليات قلبي و به ويژه از معصيت در اين ماه و با تمام وجودت ذاکر باش، چرا که هر يک از عقل و روح و قلب و بدن داراي اذکار خاصي است.

اي سالک! در رواياتي که در فضيلت اين ماه از نبي مکرم اسلام(صلی الله علیه و آله) وارد شده است تفکّر کن زيرا حضرت فرمود:

«مَا مِنْ أَيَّامٍ أَزكَي عِندَ الله تعالي وَ لاَ أعظَمَ أجراً مِن [في‏] خَيرٍ مِنْ عَشْرَ اْلأضْحَي قِيلَ وَ لاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ، قَالَ (صلی الله علیه و آله) وَ لاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ إلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِمَالِهِ وَ بِنَفْسِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَي‏ءٍ». 7

«پاک‌ترين و پرارج‌ترين روزها نزد خداوند، دهۀ اول ماه ذي حجه است. سؤال مي‌شود آيا جهاد در راه خدا به پايۀ آن مي‌رسد؟ مي‌فرمايند: خير مگر اين‌که شخصي به جان و مالش خارج شود و ديگر برنگردد.»

و در روايت ديگر فرمود:

«مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إِلَي اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ مِنْ أَيَّامِ الْعَشْرِ؛ يَعْنِي عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ وَ لاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ، قَالَ وَ لاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ إِلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ، فَلَمْ يَرْجِعْ...» 8

«عمل صالح در هيچ روزگاري نزد خداوند محبوب‌تر از عمل صالح در اين دهه نيست. سؤال مي‌شود: حتي جهاد در راه خدا؟ مي‌فرمايند: خير مگر شخصي که به جان و مالش خارج شود و ديگر برنگردد.

اکنون ببين اي بندة خدا و نظر کن در اين روايات، به ويژه در روايت دوم و عظيم بشمار آنچه را خداوند عظيم دانسته است و با کمال نشاط و شوق وارد در اين ميدان شو و به دعا و توسّل روي آور به خصوص در شب اول ماه ذي الحجه و با تضرّع به درگاه الهي و باب کرم او ائمة معصوم(علیهم السلام) درخواست نما دخول در حزب آنان را و دعا و حمايت و ولايت و شفاعت و شيعه بودن ايشان را.»9

مرحوم ميرزا جواد ملکي براساس روش مخصوصي که دارند، آداب و احکام هر روز و ماه را با بيان روايات و توضيحات معنوي و عرفاني بيان مي‌کنند. از اين رو، براي تشويق خواننده و همّت و تلاش و ترغيب او به انجام اعمال هر روز، بعد از بيان فضيلت و عظمت ماه ذي الحجه، به بيان نماز دهۀ اول اين ماه مي‌پردازند که ميان نماز مغرب و عشا خوانده مي‌شود و با بيان دستورالعمل خواندن آن و آوردن آيۀ ( وَ إِذْ وَاعَدْنا مُوسي‏ أَرْبَعينَ لَيْلَةً... ) 10 مي‌فرمايند: خود را با حاجيان شريک گردان. هنگامي‌که آيه را تلاوت مي‌کني، به يادآور که اين وعده چيست؟ و بر شوق لقا و ديدار حق بيفزا و از خسران‌کنندگان مباش؛ ( ...الَّذينَ كَذَّبُوا بِلِقاءِ اللهِ حَتَّي إِذا جاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قالُوا يَا حَسْرَتَنا عَلَي‏ مَا فَرَّطْنا فيهَا وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزارَهُمْ عَلي‏ ظُهُورِهِمْ أَلاَ سَاءَ مَا يَزِرُونَ ).11

و نيز سفارش مي‌کنند: در حديث نبي که در وصف اشتياق فراوان موسي بيان داشته‌اند، تفکّر کن؛ زيرا حضرت فرمودند: حضرت موساي کليم از شوق لقا و ديدار الهي، نه به غذا تمايلي داشت و نه به آشاميدني و نه به خواب و استراحت تا چهل روز به سر آمد و به ديدار رسيد.12

دستورالعمل ديگري که براي ورود به ماه ذي الحجه بيان مي‌کنند، روزۀ اول اين ماه است؛ زيرا در روايت دارد: « مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللهُ لَهُ صَوْمَ ثَمَانِينَ شَهْراً» .13

و اين روزي است که حضرت ابراهيم به دنيا آمد و خداوند او را به عنوان خليل برگزيد و نيز روزي است که پيامبر سورۀ برائت را توسط حضرت امير ابلاغ کرد.14

از اعمال ديگر اين ماه استحباب نماز فاطمۀ زهرا(علیها السلام) است که مؤلف کتاب «المراقبات» آن را به تفصيل آورده و آداب و دعاي آن را بيان مي‌کند.

دستور ديگر در اين ماه، خواندن دعاي مخصوصي است که با «اللّهُمَّ هَذِهِ الأيَّام الَتِي فَضَّلتَهَا عَلَي غَيرِهَا مِنَ الأيَّام» آغاز مي‌شود و بعد از نماز صبح و مغرب وارد شده است.

شيخ مفيد(ره) دستورالعمل ديگري را بيان کرده که در نظر مرحوم ملکي بسيار با اهميت آمده و فرموده است: از مهمترين چيزهايي‌که در اين دهة اول سزاوار توجه است، روايت شيخ مفيد است که از قول ابو جعفر(علیهما السلام) نقل مي‌کند و آن خواندن صلوات مخصوصي است که خداوند به عيسي بن مريم اهدا کرد و به او فرمان داد که در اين ايام تلاوت کن؛ زيرا نزد خداوند هيچ عبادتي محبوب‌تر از آن در اين دهه نيست و سپس صلوات را ذکر مي‌کند.

سپس حواريون حضرت عيسي(علیه السلام) از ايشان مي‌پرسند: ثواب اين کلمات چيست؟ حضرت عيسي به تفصيل ثواب هر يک از آن صلوات پنجگانه را بيان مي‌دارند.15

از مطالب منحصر به فرد کتاب شريف «المراقبات»، بيان‌هاي آتشين عرفاني و سلوکي مرحوم مؤلف ارجمند آن است که بر عظمت اين کتاب افزوده است. ايشان بعد از بيان حديث فوق، با کلمة «أقُولُ» نکاتي بيان مي‌دارند که قابل توجه و تأمل فراوان است:

«قسم به جانم که اين ثواب‌ها براي مجرّد خواندن نيست بلکه شروطي دارد؛ از آن جمله بيان امام رضا(علیه السلام) در راه طوس است که دربارۀ قرائت «لا اله الا الله» فرمود: « بشرطها و شروطها و أنا من شروطها » و سپس مي‌فرمايند: قطعاً يکي از شرايط آن معتقد بودن به آنچه مي‌گويد است و در ادامه با تفصيلي تمام و کمال به معناي «إله» معناي شهادت حضور و اثرات آن مي‌پردازند و به فزع و معناي آن و به ملک مطلق بودن خداوند و تمام خير و نعمت و فضيلت بودن ذات لايزال الهي اشاره مي‌کنند و به اين نکته که اين اعتقاد در تأثيراتي در اعمال و زندگي انسان خواهد داشت.

ايشان اعتقاد به‌پادشاهي مطلق خداوند را، به توجه‌کامل درهمة امور دانسته و براين باوراست‌که:

«اعتقاد به حول و قوۀ الهي به ترس از او است و لا غير و اين‌که هيچ نفع و ضرري در اين عالم نيست و مردم همچون جامدات در مقابل امر و حول و قوۀ الهي مي‌باشند و انسان‌هاي معتقد به اين امور، انسان‌هاي مستقل از ديگران و متوجه به ذات اقدس اله هستند که مجبور نيستند در حوائج دنيا و مقامات دنياوي تملّق ديگران را بگويند و در راه کسب جاه و مال مخالفت اوامر الهي را بنمايند و از نداري آن‌ها محزون شوند؛ زيرا يک چنين انسان‌هايي، گرچه کلمات شهادت را مي‌گويند ولکن در درون اعتقاد ندارند و از منافقان محسوب مي‌شوند...

امّا انسان‌هايي که خير را در دنيا و سعادت در آن را در دست اغنيا مي‌دانند و براي رسيدن به دنيا تملّق اغنيا و ملوک را مي‌کنند و در اين راه مخالفت با اوامر الهي و رسيدن به جاه و مال را اصل مي‌دانند و به نداشتن محزون و به داشتن شادمان مي‌گردند و در شدايد و سختي به سوي غير خدا پناه مي‌برند و به وعده‌هاي الهي اطمينان ندارند و تنها به غير او اميد بسته‌اند، اينان همچون منافقان در بيان شهادتين مي‌باشند و خداوند مي‌داند که دروغ مي‌گويند.»16

سالک الي الله مرحوم ميرزا جواد ملکي تبريزي سخنان خود را به روايتي از کتاب شريف کافي که در آن حديث قدسي از قول امام صادق(علیه السلام) آمده، مستند مي‌سازد:

«حسين بن علوان گويد: در مجلسي نشسته بوديم که دانش مي‌آموختيم و هزينة سفر من تمام شده بود، يکي از رفقا به من گفت: براي اين گرفتاري‌ات به که اميدواري؟ گفتم: به فلاني. گفت: پس به خدا که حاجتت برآورده نشود و به آرزويت نرسي و مرادت حاصل نشود. گفتم: تو از کجا دانستي خدايت رحمت کناد؟!

گفت: امام صادق(علیه السلام) به من حديث فرمود که: در يکي از کتاب‌ها خوانده است که خداي تبارک و تعالي مي‌فرمايد: به عزّت و جلال و بزرگواري و رفعتم، بر عرشم سوگند که آرزوي هر کس را که به غير من اميد بندد، به نوميدي قطع مي‌کنم و نزد مردم بر او جامة خواري مي‌پوشم و او را از تقرّب خود مي‌رانم و از فضلم دور مي‌کنم. او در گرفتاري‌ها به غير من آرزو مي‌بندد، در صورتي که گرفتاري‌ها به دست من است؟! و به غير من اميدوار مي‌شود و در فکر خود در خانه جز مرا مي‌کوبد؟! با آن‌که کليدهاي همة درهاي بسته نزد من است و درِ خانة من براي کسي که مرا بخواند باز است.

کيست که در گرفتاري‌هايش به من اميد بسته و من اميدش را قطع کرده باشم؟ کيست که در کارهاي بزرگش به من اميدوار گشته و من اميدش را از خود بريده باشم. من آرزوهاي بندگانم را نزد خود محفوظ داشته و آن‌ها به حفظ و نگهداري من راضي نگشتند و آسمان‌هايم را از کساني که از تسبيحم خسته نشوند (فرشتگان) پر کردم و به آن‌ها دستور دادم که درهاي ميان من و بندگانم را نبندند، ولي آن‌ها به قول من اعتماد نکردند، مگر آن بنده نمي‌داند که چون حادثه‌اي از حوادث من او را بکوبد، کسي جز به اذن من آن را از او برندارد. پس چرا از من روي گردان است. من با جود و بخشش خود آنچه را از من نخواسته به او مي‌دهم سپس آن را از او مي‌گيرم و او برگشتش را از من نمي‌خواهد و از غير من مي‌خواهد؟ او دربارة من فکر مي‌کند که ابتدا و پيش از خواستن او عطا مي‌کنم، ولي چون از من بخواهد به سائل خود جواب نمي‌گويم؟ مگر من بخيلم که بنده‌ام مرا بخيل مي‌داند؟ مگر هر جود و کرمي از من نيست؟ مگر عفو و رحمت دست من نيست؟

مگر من محل آرزوها نيستم؟ پس که مي‌تواند آرزوها را پيش از رسيدن به من قطع کند [که مي‌تواند آرزوها را جز من قطع کند]، آيا آن‌ها که به غير من اميد دارند نمي‌ترسند؟ (از عذابم يا از بريدن آرزويشان يا از مقام قربم يا از قطع نعمت‌هايم از آن‌ها)، اگر همة اهل آسمان‌ها و زمينم به من اميد بندند و به هريک از آن‌ها به اندازة اميدواري همه دهم، به قدر عضو مورچه‌اي از ملکم کاسته نشود، چگونه کاسته شود از ملکي که من سرپرست او هستم؟ پس بدا بحال آن‌ها که از رحمتم نوميدند و بدا به حال آن‌ها که نافرماني‌ام کنند و از من پروا نکنند.»17

مؤلف ارجمند کتاب «المراقبات»، هرجا که در بيان احاديث و يا آيات قرآن به شگفتي و عظمت نگاه مي‌کند، خطاب او به خواننده بسيار قابل تأمّل و توجه است. در اينجا نيز مي‌گويد:

« أُنظُر يَا أَيُّهَا الْمِسْكِين... بنگر اي نيازمند در وعده و وعيدهاي اين حديث و عظمت استدلال‌ها و مطالب آن، که از آسمان‌هاي هفتگانه و از عرش عظيم الهي، عظيم‌تر و برتر است و نفست را مورد خطاب قرار بده و از غفلت سؤال کن، آيا مي‌تواني ذرّه‌اي از آنچه در اين حديث بيان شده از قدرت و سلطنت و ملک الهي منکر شوي؟ و از اين‌که شدايد و کليد ابواب رحمت همه در دست اوست و درهاي رحمت براي دعا کننده باز است.»

سپس به تأکيدات خود در اين زمينه، ادامه مي‌دهد و نتيجه مي‌گيرد که:

«هر کس يقين داشته باشد به قدرت و کرم و عنايت شخصي، حتماً در برابر او خاضع مي‌شود و تمام مخالفت‌هاي ما با خداوند به جهت ضعف ايمان و يقين است.

و آن کس که مخالفت اوامر و نواهي الهي را مي‌کند، اميدي به خدا ندارد و آن‌که اميد ندارد در شهادتش به اين‌که پناهي جز او ندارم صادق نيست ( وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَي اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ‏ )18 و خواهد گفت: لاَ مُؤَثِّرَ فِي الوُجُود إلاَّ الله». 19

در خاتمۀ اين بخش از اذکار ماه ذي الحجه؛ يعني خواندن دعوات پنجگانه مي‌فرمايند:

«آنچه گفته شد در بيان قصد صادقانه در قرائت اين کلمات بود و جهت ديگري که بسيار مهم است، قرائت آنها با حضور قلب است و هر کس با قلب بي‌توجه قرائت کند داخل در اين روايت نمي‌شود.

بنابراين، اگر کسي نمي‌تواند با توجه قلبي بخواند، از آن اثرات محروم مي‌شود و لکن نبايد آن‌ها را ترک کند بلکه به قصد اميدواران بخواند و نااميد از کرم الهي نباشد؛ زيرا خداوند به اندازة توجه و قصد او، به او تفضّل خواهد کرد.»20

دستورالعمل ديگري در بيان مؤلف آمده و آن مختص به همين ده روز اول است و آن خواندن تهليل‌هاي دهگانه است که در روايات براي آن‌ها ثواب‌ها و تأثيرهاي فراواني بيان شده است.

دستور ديگري که بر آن تأکيد شده روزه اين ايام به ويژه روزة اول ماه ذي الحجه است؛ زيرا در روايت آمده که روزۀ آن ثواب 80 ماه را دارد و روزۀ روز نهم (روز عرفه) ثواب روزه تمام دهه و روزة روز ترويه (عيد قربان) کفارۀ 60 سال.

مرحوم ميرزا جواد ملکي تبريزي پس از اين مباحث، وارد بحث عظمت شب و روز عرفه مي‌شود و به بيان جايگاه و خصوصيات آن و نيز سالکاني مي‌پردازد که آن را عظيم مي‌شمارند. با ياري خداوند به آن خواهيم پرداخت.

پی ‌ نوشت ‌ ها:

1. علامه مجلسی، الاربعین، ص 177، ح 15؛ بحارالانوار، ج 17، ص 360

2. المراقبات، ص ب.

3. همان، ص ب ج.

4. المراقبات، ص 187، چاپ سنگی، اصفهان: مکتبة الشفیعی.

5. همان، صص 217 و 218

6. حج : 28

7. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج2، ص 35

8. همان، ص 34

9. المراقبات، ص 219

10. بقره : 51

11. انعام : 31

12. قال (ص): «ما أكل و ما شرب ولا نام ولا اشتهي شيئا من ذلك في ذهابه ومجيئه أربعين يوماً شوقاً إلي ربّه». (مصباح الشریعه، صص 196و 197)

13. من لایحضره الفقیه، ج2، ص 87 ، ح1806

14. المراقبات، ص220

15. همان، صص 232 ـ 221

16. همان، صص 222 و 223

17. کلینی، کافی، ج2، ص66 ، ح7، ترجمه از مرحوم مصطفوی؛ بحار الانوار، ج71، ص130، ح7

18. طلاق : 3

19. المراقبات، صص 224 و 225

20. همان، ص226